

سنجش میزان علیت ظالمانه بودن ربا در قرض‌های تولیدی و مصرفی

خلیل‌اله احمدوند*

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۰۵

محمد توحیدی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۱

چکیده

از قدیم‌الایام یکی از سیره‌های رائج در فرآیند اجتهاد، تجسس از علت یا علت‌های احکام شرعی در لایلا و فحوای ادله آنها بوده است تا بتوان از طریق قیاس منصوص‌العله، حکم شرعی را از موضوعی به موضوع دیگر سرایت داد و یا اینکه در صورت عدم وجود علت بدست آمده در بعضی از مصادیق، حکم شرعی را از آن مصادیق منتفی دانست. ربا نیز از جمله موضوعاتی است که مخصوصاً در صد سال اخیر با نفوذ سرمایه‌داری به کشورهای اسلامی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از تفاسیر جدید ربا که برای حل مشکل نظام سرمایه‌داری به‌ویژه بانک‌های ربوی مطرح شده است، نظریه معروف «اختصاص ربا به بهره قرض‌های مصرفی» است. در واقع برخی روشنفکران و عالمان اسلامی با استناد به شواهد و ادله‌ای بین دو نوع قرض تولیدی و مصرفی تفکیک قائل شدند. آنان گرفتن بهره در قرض‌های مصرفی را ربا و حرام می‌دانند؛ اما گرفتن بهره در قرض‌های تولیدی و تجاری را ربا نمانده و حرام نمی‌دانند. یکی از دلایل محکم طرفداران این نظریه، استناد به ظلم بعنوان علت تحریم رباست. این دانشمندان با استفاده از آیات و روایات، استنباط کرده‌اند که علت تحریم ربا ظالمانه بودن آن است و به همین دلیل، حکم حرمت ربا را به قرض‌های مصرفی اختصاص داده‌اند؛ زیرا ربا گرفتن در آن‌ها موجب ظلم به قرض‌گیرنده می‌شود، اما ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری را چون موجب ظلم به قرض‌گیرنده نمی‌شود، حرام نمی‌دانند. در این مقاله مسأله میزان علیت ظلم در حکم تحریم ربا در قرض‌های تولیدی و مصرفی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای منابع مختلف و مرتبط چون قرآن، کتب روایی و کتب فقهی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و به روش تحلیلی استنباطی به استدلال در مورد مسأله پیش‌گفته پرداخته و به این نتیجه می‌رسیم که ظالمانه بودن نمی‌تواند علت انحصاری تحریم ربا باشد، به نحوی که حکم حرمت دایره مدار آن باشد، بلکه نهایت چیزی که می‌توان قبول کرد این است که ظالمانه بودن ربا، حکمت تحریم آن است به نحوی که حکم تحریم نغیاً و اثباتاً به آن وابسته نیست؛ بنابراین ممکن است در ظاهر، در قرض تولیدی رباگرفتن، ظلم نباشد، ولی حکم تحریم را از آن منتفی نمی‌کند، هرچند ثابت شده است که ربا گرفتن در قرض‌های تولیدی هم موجب ظلم می‌شود، پس حکم حرمت در آن نیز وجود دارد و از این جهت هیچ‌گونه تفاوتی با قرض مصرفی ندارد.

واژگان کلیدی

ربا، قرض مصرفی، قرض تولیدی و تجاری، ظلم، علت، حکمت

طبقه‌بندی JEL: D53, D52

ahmadvand@rarz.ac.ir

* استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری مدیرست مالی دانشگاه امام صادق (ع) و کارشناس مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات

tohidi83@gmail.com

اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار

مقدمه

هم‌زمان با آغاز مباحث فقهی مربوط به احکام ربا، با تأسیس به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، دست‌یابی به علل احکام آن نیز مورد توجه فقها بوده است تا این‌که بتوانند با بهره‌گیری از مبانی اجتهاد و قواعد فقه احکام، مصادیق جدید ربا را در نظام اقتصادی و بانکداری استنباط نمایند.

در شریعت مقدس اسلام حرمت ربا در عقد قرض از قطعی‌ترین احکام می‌باشد به نحوی که اجماع قاطبه مسلمانان ربا را حرام می‌دانند و آیات قرآن، روایات و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام به صورت واضح و صریح دلالت بر تحریم ربا دارند. مسأله حرمت ربا به دین اسلام اختصاصی ندارد، در آیاتی از تورات (عهد قدیم، سفر تثنیه، باب ۲۴، آیه‌های ۱۰-۱۴) و انجیل (انجیل متی، فصل ۵، آیه‌های ۱۷-۱۹؛ انجیل لوقا، فصل ۶، آیه‌های ۳۴ و ۳۵) نیز ربا برای یهودیان و مسیحیان تحریم شده است و چنان‌که در روایات آمده، ربا در تمام ادیان الهی تحریم شده است. امام رضا (ع) در روایتی می‌فرماید: *أَعْلَمُ يَرْحَمَكَ اللَّهُ أَنْ الرَّبَا حَرَامٌ سَحَتْ مِنَ الْكِبَائِرِ وَمِمَّا قَدْ وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَى لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ وَفِي كُلِّ كِتَابٍ* (مجلسی، ۱۴۰۳ق، جلد ۱۰۳، ص ۱۲۱).

بدان خداوند تو را رحمت کند به درستی که ربا حرام، باطل و از گناهان کبیره است و از جمله جرایمی است که خداوند بر آن وعده عذاب داده است؛ پس، از آن به خدا پناه می‌بریم. ربا در کلام همه پیامبران و در همه کتاب‌های آسمانی حرام شده است؛ بنابراین، ممنوعیت ربا نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای یهودیان و مسیحیان و پیروان سایر ادیان آسمانی نیز حرام بود. کنار این تحریم عمومی، تلاش برای تجویزهای برخی معاملات نیز از طرف پیروان ادیان گوناگون مشاهده می‌شود و به همین سبب، مشابهت‌های بسیاری بین نظریه‌پردازان یهودی، مسیحی و مسلمان وجود دارد (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۳۸).

نظریه تفکیک بین قرض‌های مصرفی و تولیدی و تجاری نیز از این قبیل است. قبل از مسلمانان، برخی عالمان مسیحی این دیدگاه را داشتند. در واقع یکی از تفاسیر جدید ربا که برای حلّ مشکل نظام سرمایه‌داری به‌ویژه بانک‌های ربوی مطرح شد، نظریه معروف «اختصاص ربا به بهره قرض‌های مصرفی» بود. طبق این نظریه قرض از نظر اقتصادی و به اعتبار نوع مصرف، به دو دسته می‌شود: ۱- قرض مصرفی ۲- قرض تولیدی و تجاری. قرض مصرفی از طرف فقرا و محتاجین جامعه برای تأمین معیشت و ضروریات اولیه زندگی، مانند خورد و خوراک و پوشاک و مسکن و... تقاضا می‌شود، اما قرض تولیدی و تجاری برای تأمین سرمایه جهت کسب و تجارت و بازرگانی یا برای احداث یک بنگاه و کارخانه تولیدی مورد تقاضا قرار می‌گیرد. بنا بر نظر مشهور فقها، ربا دادن و گرفتن در هر دو نوع قرض حرام است و هیچ‌گونه تفاوتی بین آن‌ها قائل نیستند. در مقابل عده‌ای از فقها و دانشمندان مسلمان ربا در قرض‌های تولیدی را حرام نمی‌دانند؛ با این توجیه که علت تحریم ربا از نظر آیات و روایات، ظالمانه بودن آن است که این علت فقط در قرض‌های مصرفی وجود دارد، اما گرفتن ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری از قرض‌گیرنده نه تنها ظلم نیست بلکه عین عدالت است؛ زیرا این قرض برای افزایش درآمد مورد استفاده قرار گرفته و این‌که قرض‌گیرنده بخشی از درآمد به دست آمده را به قرض‌دهنده بدهد به انصاف نزدیک‌تر است. این تحقیق درصدد است به روش تحلیلی استنباطی به استدلال و استنباط در مورد میزان علیت ظلم در تحریم ربا چه در قرض‌های مصرفی و چه در قرض‌های تولیدی و تجاری بپردازد.

۱. پیشینه تاریخی تحقیق

نظریه «اختصاص ربا به بهره قرض‌های مصرفی» ابتدا از سوی برخی اندیشه‌وران اهل سنت چون رشیدرضا (رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، جلد ۳، ص ۱۱۶)، شیخ شلتوت (شلتوت، ۱۳۹۵ق، ص ۳۵۳)، معروف الدوالیبی (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

۱۳۸۱، ص ۳۰۰)، مصطفی الزرقا (زرقا، ۱۳۸۸ق، ص ۷۰) مطرح شد؛ برای مثال، معروف الدوالیبی در سال ۱۹۵۱ میلادی در کنفرانس فقه اسلامی که در پاریس برگزار شد، گفته بود: ربایی که در اسلام تحریم شده، در خصوص قرض‌های مصرفی است و شامل قرض‌هایی که برای تولید گرفته می‌شود، نمی‌گردد. در قرض‌های مصرفی، رباخواران با سوءاستفاده از نیاز فقیران، بهره‌های سنگینی را بر آنان تحمیل می‌کردند، و به همین خاطر، اسلام آن را تحریم کرد؛ ولی امروزه اوضاع اقتصادی جهان تغییر کرده و مؤسسات تولیدی و تجاری در سراسر کشورها به وجود آمده است و بیشتر قرض‌ها از مصرفی به سرمایه‌گذاری تبدیل شده‌اند؛ پس لازم است متناسب با این تحول، احکام مربوطه نیز تغییر کند (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، ص ۳۰۰).

همچنین برخی از عالمان شیعه چون آیت‌الله بجنوردی (بجنوردی، ۱۳۷۷، ص ۴۳۳)، آیت‌الله معرفت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵/۱۱/۲۷: صفحه معارف اسلامی) و آیت‌الله صانعی (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۲۸) به جمع طرفداران این نظریه پیوسته‌اند. آیت‌الله صانعی بعد از توضیح قرض و ربای تولیدی می‌گوید: مشهور فقیهان، به اطلاق و عموم روایات و آیات استناد کرده و آن [ربای تولیدی] را تحریم کرده‌اند؛ ولی مدّعی ما این است که این رقم حرام نیست و ادله تحریم، شامل آن نمی‌شود (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۳۱).

اندیشمندان مسلمان یکی از دلایل جدی که برای توجیه نظریه خود می‌آورند، این است که علت حرمت ربا، ظلم است و این ظلم، در ربای استهلاکی متصور است؛ اما در ربای انتاجی و تولیدی چنین نیست (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۳۸).

در زمینه میزان علیت ظلم نسبت به تحریم ربا که موضوع مقاله حاضر است، دانشمندان مسلمان تحقیقات محدود و موردی انجام داده‌اند. این تحقیقات عموماً به صورت مستقل و مفصل نبوده، بلکه به صورت ضمنی و متفرقه به مسأله علت تحریم ربا اشاراتی نموده‌اند. از بین دانشمندان اهل سنت می‌توان رشیدرضا و ابوزهره را نام برد که خیلی خلاصه و گذرا به موضوع پرداخته‌اند. البته دانشمندان شیعه مانند علامه

طباطبائی، شهید مطهری، آیت الله صانعی، آیت الله سید محمد بجنوردی، آیت الله سید محمد شیرازی و حجت‌الاسلام دکتر سید عباس موسویان، هر کدام در تحقیقات خود به گونه‌ای فراتر به موضوع پرداخته‌اند. البته ورود این اندیشمندان به میزان علیت ظلم در تحریم ربا به صورت تفصیلی و عمیق نبوده، بلکه در ضمن طرح مباحث فقهی و اقتصادی ربا به علیت ظلم نسبت به تحریم ربا اشاراتی نموده‌اند که در این بین شهید مطهری و آیت الله صانعی بیشتر به این مسأله پرداخته‌اند. مسأله مهم این است که اصل علیت ظلم و تعیین میزان اهمیت آن در حکم تحریم ربا مورد غفلت قرار گرفته است و اندیشمندان اسلامی بصورت عمیق و مفصل متعرض این موضوع نشده‌اند. در این مقاله کوشش شده تا موضوع پیش گفته به طور دقیق و عمیق در تمام جوانب مطرح و مورد بررسی قرار گیرد. سؤال اصلی در این زمینه این است که اساساً آیا آیات و روایات مربوط به ربا در مقام بیان علیت ظلم یا هرچیز دیگری، نسبت به تحریم ربا هستند؟ و یا اینکه آنچه در لسان آنها به عنوان علت حکم بیان شده در واقع علت اصطلاحی نیست بلکه حکمت است که برای ایجاد انگیزه در متشرعین برای اجتناب از رباخواری بیان شده است؟ بنابراین آیا می‌توان حکم تحریم ربا را از بعضی مصادیق جدید آن مثل ربا در قرض‌های تجاری و تولیدی برداشت و آن را از شمول حکم تحریم خارج نمود چنانچه بعضی از فقهاء این کار را کرده‌اند؟

۲. طرح نظریه ظالمانه نبودن گرفتن زیاده در قرض‌های تولیدی و ادله قائلین به آن

یکی از توجیهات طراحان نظریه اختصاص حکم تحریم ربا به ربا در قرض‌های مصرفی و عدم حرمت آن در قرض‌های تولیدی و تجاری این است که ربا در این گونه قرض‌ها موجب ظلم نیست نه به قرض‌گیرنده و نه به قرض‌دهنده، و حال آنکه یکی از ملاک‌ها و علت‌های تحریم ربا در شریعت مقدس اسلام به نص قرآن کریم ظالمانه بودن رباست. خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا

مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ^۱ (بقره ۲۷۸ و ۲۷۹).

در ادله تحریم ربا، چیزهایی بعنوان علت تحریم ذکر شده که فقط در ربای مصرفی وجود دارد پس حکم حرمت منحصر می‌شود در نوعی از ربا که آن علت‌ها در آن وجود داشته باشد و یکی از چیزهایی که در لسان ادله به عنوان علت تحریم ربا ذکر شده است ظلم است، در قرض‌های مصرفی قرض‌گیرنده برای تأمین نیازهای ضروری زندگی به قرض احتیاج پیدا می‌کند. از آنجا که چنین افرادی توانایی پرداخت خود قرض را هم ندارند، گرفتن ربا از آنها ظلم به آنهاست. اما اگر در قرض‌های تولیدی و تجاری، قرض‌گیرنده سرمایه‌گذاری می‌کند و بهره زیادی از راه تجارت و تولید به دست می‌آورد، حال اگر قرض‌دهنده با او شرط کند که مقداری از بهره به دست آمده را به عنوان منفعت سرمایه‌اش به او بدهد، نه تنها ظلم به او نیست بلکه عین عدالت است. آیت‌الله صانعی از فقهای معاصر در این باره می‌گوید: "از آیه شریفه «وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» استفاده می‌شود که رباگرفتن ظلم است و عرفاً و عقلاً، آیه در مقام تعلیل حرمت ربا است. گرفتن زیاده ظلم بر مدیون، است پس تحریم ربا در این آیه دایره مدار ظلم است و حرمت منحصر است در مواردی که علت (ظلم) در آنها وجود دارد، پس برای این‌که در مورد ربا حکم به حرمت کنیم باید اول دنبال تحقق علت حرمت برویم. که اگر در مواردی رباگرفتن مستلزم ظلم شد حکم حرمت منحصر به همان موارد خواهد بود، و غیر آن موارد اگر ربا در آن مستلزم ظلم نشد حرام نخواهد بود. بنابراین تنها مصداقی که رباگرفتن در آن مستلزم ظلم بر مدیون می‌باشد ربا در قرض‌های استهلاکی و مصرفی است، اما ربا در قرض‌های انتاجی، چون موجب رشد اقتصادی و گردش چرخ اقتصاد و تولید سرمایه می‌گردد، گرفتن ربا از مدیون مستلزم ظلم به او نخواهد شد» (صانعی، ۱۳۸۳، ص ۳۸).

رشید رضا می‌گوید: «اگر در قرض انتاجی شرط شود بخشی از سود تجارت و معامله که سرمایه‌اش مال قرض دهنده است، به قرض‌دهنده پرداخت شود، قرض‌دهنده‌ای که اگر مال او نبود تولید کننده و تاجر به چنین سودی دست نمی‌یافت، چه ستمی رخ می‌دهد و این چه ظلمی است که هم ظالم (قرض‌دهنده) و هم مظلوم (قرض‌گیرنده) از آن خوشحالند؟ به عبارت دیگر قرآن می‌فرماید: «ربا نگیرید، چون ربا از دیدگاه عرف و عقلاء ستم است و این به ربای استهلاکی اختصاص دارد و در ربای انتاجی و تولیدی مطرح نیست» (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، جلد ۳، ص ۳۶، ۳۷ و ۱۱۶).

آیت‌الله بجنوردی که از طرفداران نظریه مزبور می‌باشد چنین استدلال می‌کند: «ربا تنها در قرض‌هایی مصداق پیدا می‌کند که ظالمانه بوده و در تنافی با اصل عدالت باشد. بر این اساس، ربا تنها در قرض‌هایی حرام است که وام‌گیرنده به منظور تأمین نیازهای حیاتی و ضروری، مجبور به دریافت آن شده باشد، ولی ربا در وام‌های غیرضروری از قبیل راه اندازی و گسترش فعالیت‌های تجاری و یا خرید کالاهای لوکس حرام نیست (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹). ایشان می‌گوید: از آیه شریفه [وَإِنْ تَبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ] استفاده می‌شود که ملاک و علت حرمت ربا ظلم است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹).

ابوزهرة از منتقدین نظریه، از قول طراحان و طرفداران نظریه چنین می‌گوید: «اینان معتقدند مناط تحریم ربا ظلمی است که خلاف جوان‌مردی و اخلاق و وجدان است، اگر کسی مالی را برای تهیه خوراک و پوشاک و تهیه جهاز ازدواج دخترش قرض کند، گرفتن فائده و ربا از او خلاف مروت و وجدان است؛ یعنی ظلم است. اما اگر کسی مالی را برای تجارت و کاسبی قرض کند و صاحب مال و سرمایه در فائده و سود این تجارت و کاسبی با او شریک باشد عین عدالت است» (ابوزهرة، ۱۳۹۰ق، ص ۳۳).

معروف الدوالیبی به نحو دیگر و عبارات دیگری قائل به عدم حرمت ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری می‌باشد، به نظر ایشان ربایی که اسلام حرام کرده، ربای

مصرفی و استهلاکی بوده که در آن قرض دهنده سرمایه‌دار بوده و قرض‌گیرنده فقیر و محتاج. ربا گرفتن از افراد فقیر و نیازمند که برای تأمین نیازهای اولیه زندگیشان مجبور بودند قرض کنند، باعث ظلم و سوء استفاده از آن‌ها می‌شد، اما امروزه بسیاری از قرض‌های متداول در بین مردم و نهادهای مالی و اقتصادی از نوع قرض‌های انتاجی است که در آن‌ها قرض‌گیرنده شرکت‌های سرمایه‌دار بزرگ و دولت‌های بزرگ و کوچک است، ولی قرض‌دهندگان و سپرده‌گذاران افراد ضعیف و کوچک هستند و لذا افراد ضعیف باید حمایت شوند و یکی از راه‌های حمایت آن‌ها این است که گرفتن بهره و ربا در قرض‌های تجاری و تولیدی حلال باشد، پس ایشان برای جلوگیری کردن از ظلم به قرض‌دهندگان قائل به عدم حرمت گرفتن بهره و ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری شده است و در پایان این راه حل را برای حل مشکل حمایت از فقیران راه حل صحیح می‌داند (سنه‌وری، ۱۹۵۴م، ص ۱۶۳).

طراحان و طرفداران نظریه اختصاص تحریم ربا به ربا در قرض‌های مصرفی این‌طور عنوان می‌کنند که در بعضی از روایات صحیح‌ه هم به صراحت بیان شده که علت حرمت ربا ظلم است. مثلاً امام رضا(ع) در ذیل روایتی که محمد بن سنان از ایشان نقل می‌کند. می‌فرمایند: «وَلَمَّا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفِئَادِ وَالظُّلْمِ وَفَنَاءِ الْأَمْوَالِ» (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۳ق، جلد ۱۲، ص ۴۲۵). علت تحریم ربا به خاطر این است که در ربا اموال و ثروت‌های مردم تباه و نابود می‌شود و موجب ظلم به ربا دهنده می‌شود.

دکتر حمیدالعلی صالح از قول یکی دیگر از مدافعان نظریه می‌گوید: «یکی دیگر از راه‌هایی که طرفداران نظریه اباحه ربا در قرض انتاجی رفته‌اند از طریق تعلیل به حکمت تحریم ربا است. اینان علت ربا را بهره‌کشی یا ظلم می‌دانند و از آنجا که در ربای انتاجی ظلم وجود ندارد، پس آن را مباح می‌دانند. اما چون در ربای استهلاکی ظلم وجود دارد آن را حرام می‌دانند (صالح، ۲۰۰۳م).

۲-۲. نقد

در پاسخ طراحان و قائلین این نظریه در دو سطح به نقد این نظریه می‌پردازیم. در رد استدلال‌های صورت پذیرفته توسط طرفداران این نظریه ابتدا چند مورد نقض ارائه گردیده و سپس به تفصیل نقد حلی و تحلیلی آن ذکر می‌شود.

۲-۲-۱. پاسخ نقضی

اگر ظلم به معنای اصطلاحی و علمی علت تحریم ربا باشد؛ به این معنا که حکم حرمت ربا دایره مدار ظلم باشد، پس بنابر دیدگاه قائلین به تفکیک قرض‌های مصرفی و تولیدی و ربوی نبودن زیاده در قرض‌های تولیدی، در مواردی که گرفتن زیاده در قرض منجر به ظلم می‌شود ربا محسوب شده و هر جا که گرفتن زیاده ظالمانه نباشد؛ حکم حرمت هم برداشته می‌شود.

۲-۲-۱-۱. پاسخ نقضی اول

در خود قرض تولیدی و تجاری هم بعضاً قرض‌گیرنده از تجارت و مؤسسه‌ی تولیدی خود ممکن است ضرر کند و یا سود نکند. این جا هم حکم به اباحه ربا و گرفتن زیادی از قرض‌گیرنده موجب ظلم و اجحاف به او است.

شهید مطهری در این باره می‌گوید: «مال دارای دو نوع منفعت است: منفعت بالفعل و منفعت بالقوه، در قرض‌های مصرفی، قرض‌گیرنده غرضش انتفاع به منافع بالفعل از مال است. مثلاً گندم را قرض می‌کند برای آن که بخورد، ولی در قرض‌های تولیدی غرضش انتفاع به منافع بالقوه است، یعنی آنچه که قرض می‌کند، به صورت مال‌التجاره است که منفعت بالفعل آن مقصودش نیست بلکه مقصود منافی است که با تجارت یا صنعت روی آن پیدا می‌شود، البته مال قابلیت برای جُزّ چنین منافی را دارد و به سبب همین قابلیت هم ارزش دارد، ولی ارزش مشروط، مشروط به اینکه قابلیت مذکور از آفات و عاهات غیرارادی مصون بماند تا به فعلیت برسد، و اگر به فعلیت نرسد، کشف می‌کند که شخص از اول مالک آن منافع نبوده است. در قرض‌های

تولیدی اگر به طریق قرض ربوی عمل شود، ظلم است، زیرا ممکن است مال التجاره قابلیت جُرّ نفعش به فعلیت نرسد و اخذ ثمن در قبال این قابلیت، وقتی صحیح است که به فعلیت برسد» (مطهری، ۱۳۷۸، جلد ۴، ص ۳۱۵).

در مواردی که قرض‌گیرنده ضرر کرده و یا سود نکرده است، موجب ظلم به او خواهد شد. پس آن هم حرام و ممنوع است؛ به عبارت دیگر بین استغلال و ظلم و قرض ناشی از فقر و نیاز (قرض مصرفی) تلازم وجود ندارد و بین قرض تجاری و تولیدی و عدم استغلال و ظلم هم تلازم وجود ندارد.

آیت الله سید محمد شیرازی در این رابطه می‌گوید: قرض به خاطر سود، به این صورت که قرض‌گیرنده، وام بگیرد و با آن کار کند و سود ببرد یعنی با آن تجارت و کارهای تولیدی انجام دهد. این صورت خود از چند حال خارج نیست:

۱- قرض‌گیرنده متضرر گردد یعنی مقداری از اصل سرمایه مقروض شده را هم از دست بدهد و نیز سعی و تلاش خود را هم ضرر کند یعنی تلاش بدون مزد و درآمد انجام داده است، پس در این صورت دو ضرر کرده، هم مقداری از اصل سرمایه را از دست داده و هم در ازاء کار خودش درآمد نداشته است. در این صورت هم باید اصل سرمایه‌ای را که قرض کرده پرداخت کند و هم ربایی که بر آن باید بیفزاید. ربا در این صورت مصداق بارز ظلم است.

۲- قرض‌گیرنده در تجارت و تولیدش نه متضرر گردد و نه سود کند؛ یعنی در تجارت اصل سرمایه را بدون کسب سود بدست آورد، اما ربایی را که باید پرداخت کند از خود باید پرداخت کند.

۳- قرض‌گیرنده در تجارت و تولید خود مقداری سود کند اما سودش کمتر از درصد ربایی باشد که باید به قرض‌دهنده پرداخت کند. در این صورت، هم خسارت در عمل کرده و هم خسارت در مابه‌التفاوتی که باید بعنوان ربا پرداخت کند.

۴- قرض‌گیرنده به اندازه مقدار ربایی که باید پرداخت کند از تجارت و تولید خود سود ببرد در این صورت فقط خسارت کارکرد خود را باید تحمل کند.

در تمام این چهار صورت قرض‌گیرنده در مقابل کار و تلاش خود هیچ درآمد و اجرتی را بدست نیاورد و حداقل خسارتی که باید پرداخت کند همین است؛ بنابراین اگر ظلم و استغلال علت تحریم ربا شد، عقل سلیم حکم به وجود ظلم در این چهار صورت می‌کند؛ پس باید ربا در تمام این صورت‌ها حرام باشد و حال آنکه طراحان و طرفداران نظریه به طور مطلق گفته اند: ربا در قرض‌های تجاری و تولیدی حرام نیست (شیرازی، ۱۴۰۷ق، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸).

۲-۱-۲-۲. پاسخ نقضی دوم

به استناد اخبار صحیح و فتوای بیشتر فقها، ربای بین پدر و فرزند و ربای بین زن و شوهر حرام نیست. اگر اصل زیاده گرفتن ظلم است، فرقی بین پدر و فرزند و غیر آن‌ها وجود ندارد. بدون شک در این موارد هم زیاده گرفتن ظلم است، پس باید حرام باشد؛ چون علت تحریم وجود دارد و حال آن‌که حرام نیست، پس حکم از علت تخلف کرده است.

مرحوم شهید مطهری می‌گوید: «در باب ادله‌ی ربا ما مواردی را می‌بینیم که اسلام در آن موارد ربایی را که خود تصریح می‌کند [لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ] ربا ظلم و تجاوز به حقوق دیگران است، ربا نوعی استثمار است و بالاخره ظلم است، مجاز می‌دانند. می‌گوید بین زوج و زوجه و بین والد و ولد ربا مانعی ندارد. مخصوصاً پدر از پسر می‌تواند ربا بگیرد. در اینجا این مطلب را ضمیمه می‌کنند که احکام عقلی قابل تخصیص نیست. نمی‌شود گفت ظلم هیچ‌جا جایز نیست ولی در یک جا جایز است. اگر چیزی در یک جا جایز شد، معلوم می‌شود ظلم نیست، نه اینکه با اینکه ظلم است جایز است، چون نمی‌تواند ظلم باشد و جایز باشد. آن وقت می‌گوئیم چطور است که

در میان والد و ولد یا زوج و زوجه ربا جایز است و این ربا ظلم نیست؟» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۱۲۰).

آیت الله بجنوردی در این باره تفسیر دیگری دارد: «آیا می‌شود قانونگذار ربا را حرام کرده و برخورد شدید هم با آن کند و آن را جنگ با خدا و رسولش بداند و بعد بگوید، این ظلم و فساد بین پدر و فرزندان مسأله‌ای نیست! این فساد و ظلم بین مولی و عبد مسأله‌ای نیست. از همه مشکل‌تر این‌که فساد و ظلم بین مسلمانان و کافر حربی مسأله‌ای نیست.

و به‌خاطر همین مسئله بعضی از فقها مانند ابن جنید، سیدمرتضی، مرحوم محقق اردبیلی و محقق سبزواری که از فقهای بزرگ ما هستند در عدم حرمت ربا در موارد مذکور ایجاد تردید و اشکال کرده‌اند. مرحوم محقق اردبیلی به‌خاطر ضعف سند روایات استثناء ربا، می‌گوید این روایات صلاحیت تخصیص عمومات قرآن را ندارند، عمومات قرآن مسأله ربا را به طور مطلق و به طور عموم رد کرده‌اند. ما به همان عموم قرآن تمسک می‌کنیم و نسبت به همه موارد می‌گوییم ربا جایز نیست. چه فرقی می‌کند که بین زن و شوهر باشد یا کسان دیگر؟» (بجنوردی، ۱۳۸۲، سمینار بانکداری اسلامی).

۲-۱-۳. پاسخ نقضی سوم

در بعضی موارد تشخیص اینکه قرض ربوی از نوع قرض مصرفی هست یا قرض تولیدی، کار آسانی نیست، یعنی کاملاً اجمال و ابهام وجود دارد که آیا قرض مصرفی است تا ربا در آن حرام باشد و یا قرض تولیدی است تا حرام نباشد. قرض برای امور غیرضروری زندگی، مثلاً قرض برای تبدیل خودرو به خودروی مدل بالاتر، و یا قرض برای تبدیل مسکن به مسکن بزرگتر و در مکان بهتر، آیا قرض مصرفی محسوب می‌شوند؟

شهید مطهری در این رابطه می‌گوید: «یک نوع از قرض تولیدی برای اعاشه ضروری و رفع حوائج است، به طوری که اگر قرض گیرنده ربا ندهد، زندگیش تأمین نمی‌شود، ولی اگر قرض بگیرد و کار کند به طور کلی یا تا حدی حوائج زندگیش تأمین می‌شود. آیا این نوع را باید داخل در قرض مصرفی دانست یا قرض تولیدی؟» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۱۶۲).

عبدالرزاق السنهوری در نقد نظریه معروف الدواییی که قائل به عدم حرمت ربا در قرض‌های تولیدی می‌باشد می‌گوید: «در مقام عمل و تشخیص مصداق خارجی در بسیاری از موارد تشخیص قرض‌های مصرفی از قرض‌های تولیدی بسیار مشکل است. در بعضی موارد مثل قرض‌هایی که دولت‌ها و شرکت‌ها دریافت می‌کنند، تولیدی بودن قرض آن‌ها معلوم است و در بعضی از موارد مثل قرض‌هایی که افراد از بانک‌ها و یا مؤسسات مالی می‌گیرند دقیقاً معلوم نیست قرض تولیدی‌اند یا قرض مصرفی. ما نمی‌توانیم در تمام حالات این دو نوع قرض را از هم جدا کنیم» (سنهوری، ۱۹۵۴، ص ۱۶۳ و ۱۶۴).

۲-۲-۲. پاسخ حلی

۲-۲-۲-۱. پاسخ اول

به نظر می‌رسد ادله‌ای که ظلم را بعنوان علت تحریم ربا معرفی کرده‌اند ناظر به این معنا هستند که اصل زیاده گرفتن در قرض موجب ظلم می‌شود و در این جهت فرقی بین مصادیق و انواع قرض وجود ندارد. همان طوری که آیه شریفه «وَإِنْ تُبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» می‌فرماید: اگر توبه کنید می‌توانید با گرفتن اصل مالی را که به قرض داده‌اید مورد ظلم قرار نگیرید و با نگرفتن ربا به کسی هم ظلم نکنید. یعنی گرفتن زیاده (ربا) در قرض موجب ظلم می‌شود چه مصرفی و چه تولیدی.

در حدیث شریف محمد بن سنان از امام رضا(ع) هم به این حقیقت تصریح شده است: «وَعَلَّةٌ تَحْرِمُ الرِّبَا لَمَّا نَهَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْهُ، وَ لَمَّا فِيهِ مِنْ فِسَادِ الْأَمْوَالِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى الدَّرْهَمَ بِالدَّرْهَمِينَ كَانَ ثَمَنُ الدَّرْهَمِ دَرَاهِمًا وَ ثَمَنُ الْآخِرِ بَاطِلًا». در این روایت امام رضا(ع) می‌فرماید: «دادن یک درهم اضافه باطل است؛ چون بدون عوض است» (حرعاملی، ۱۴۱۳ق، جلد ۱۲، ص ۴۲۵).

شهید مطهری در این رابطه می‌گوید: «از تعبیرات قرآن به نظر می‌رسد که اساساً سودگرفتن از قرض را ظلم می‌داند و می‌دانیم که ظلم یعنی گرفتن چیزی بدون حق و بدون یک مجوز و... در واقع عدل هم یعنی به هر مستحقى آنچه که استحقاق دارد، دادن و ظلم تجاوز به حقوق دیگران است. قرآن کریم ربا گرفتن را تجاوز به حقوق قرض‌گیرنده تلقی می‌کند و به قول ما اصلاً نامشروع می‌داند» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۵۰).

ظلم بودن ربا بخاطر ماهیت حقوقی قرض است که در قرض، انتقال ملکیت صورت می‌گیرد و قرض‌دهنده برای مدتی مال خود را به ملک قرض‌گیرنده در می‌آورد، چه در قرض مصرفی و چه در تولیدی. اشتراط بهره و ربا در قرض به نفع قرض‌دهنده تجاوز به حقوق قرض‌گیرنده است، زیرا او مالک مال قرض گرفته شده گردیده و کسی حق ندارد منافع مال او را از او مطالبه کند حتی شخص قرض‌دهنده.

علت تحریم ربا ظلم است همان طوری که علامه طباطبائی می‌گوید: خداوند در ضمن آیات ربا فرموده است «وَإِنْ تَبْتِغُوا فَلَکُمْ رِئُوسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَکَا تَظْلُمُونَ» و همه این‌ها دلالت می‌کند بر اینکه حرمت ربا و حلیت بیع، علت دارد. بیع، حلال شده، چون مطابق فطرت و خلقت انسانی است و ربا حرام شده، چون خارج از مسیر طبیعی زندگی بشر و یکی از مصداق‌های ظلم است» (طباطبائی، ۱۳۷۶، جلد ۲، ص ۴۱۶).

شهید مطهری نیز می‌گوید: «از جمله (لَا تَظْلِمُونَ) فهمیده می‌شود که ربا ظلم است؛ یعنی تحریم ربا براساس لزوم احسان نیست که ملاک در قرض‌های مصرفی است، بلکه

براساس وجوب عدل و تحریم ظلم است؛ یعنی ربا اکل مال غیر است» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۱۹۷).

در تأیید اینکه در ربای قرض تولیدی هم، ظلم وجود دارد، نکته ظریف و جالبی است که از حدیث شریف پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌توان استفاده نمود. حدیث از حضرت علی (ع) نقل شده است: «عن ابی جعفر (ع) قال: قال امیرالمؤمنین (ع): آکل الربا و مؤکله و کاتبه و شاهده سَواء» (شیخ طوسی، ۱۴۱۳ق، جلد ۷، ص ۱۷). از امام باقر (ع) نقل شده است که حضرت علی (ع) فرمود: ربا گیرنده و ربا دهنده و نویسنده و دو شاهد آن در گناه مساویند.

اینکه فرمودند: اینان در گناه مثل همنند. معلوم می‌شود اصل ارتکاب ربا و لواز طرف مظلوم هم باشد حرام است؛ زیرا او با دادن ربا ظالم را در گرفتن ربا کمک و یاری کرده است، در ربای قرض تولیدی هم هر دو مرتکب ربا می‌شوند پس کار حرامی را مرتکب می‌شوند.

قرآن هم همین تعبیر را دارد، آنجا که می‌فرماید: [وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَآ تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ] در تفسیر آیه به این حقیقت تأکید شده است که فلسفه اصلی حرمت ربا، ظلم بودن آن است.

از دیدگاه قرآن، فلسفه حرمت ربا، ظلم است. ربا مصداق واقعی ظلم است و ظلم هم حرام پس ربا حرام است، و اکثر مفسرین در تفسیر این آیه شریفه به این مطلب اشاره کرده اند که در قرض زیاده گرفتن موجب ظلم است اما گرفتن اصل سرمایه و مال بدون کم و زیاد نه موجب ستم به قرض دهنده و نه موجب ستم به قرض گیرنده خواهد شد.

شهید مطهری می‌گوید: «قرآن در جاهایی هم هست که تعبیر به ظلم می‌کند، در این موارد اگر نظرش مبارزه با بی‌رحمی و شقاوت جامعه بود و می‌خواست بگوید جای رحم کردن است و جای این است که از منفعت و حق مشروعتان بگذرید، دیگر

معنا نداشت که تعبیر به ظلم کند، راجع به کسانی که قبلاً قرض ربوی داده‌اند قرآن فرمود: همان رأس المال‌ها یعنی عین مالتان را بگیرید، سودها را دیگر حق ندارید بگیرید، آن وقت نه شما با گرفتن سود، ظلم می‌کنید و نه با از دست دادن سرمایه‌تان مظلوم واقع می‌شوید» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۵۴).

امام خمینی (ره): ربا را موجب ظلم و ظلم در ربا را موجب فساد اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی می‌داند. ایشان ربا را در هیچ موردی جایز نمی‌داند، به نظر ایشان مفاسد ربا و ظلم در آن، آن قدر شدید است که نمی‌توان برای فرار از حرمت، از حیل‌های ربا استفاده کرد یعنی حیل‌های ربا نمی‌توانند ظلم و مفاسد ربا را برطرف کنند، ایشان فلسفه حرمت ربا را ظلم و تجاوز به حقوق دیگران می‌داند و می‌گوید با وجود این فلسفه، امکان تمسک به روایات برای فرار از ربا وجود ندارد و امکان تجویز آن نیست» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، جلد ۲، ص ۴۰۳). از نظر امام خمینی هم فلسفه حرمت ربا، ظلم و تجاوز به حقوق دیگران است که همین فلسفه هم در قرض‌های مصرفی وجود دارد و هم در قرض‌های تولیدی.

۲-۲-۲-۲. پاسخ دوم

اصل علیّت ظلم به معنای اصطلاح فقهی و اصولی نسبت به ربا را مورد نقد و تردید قرار می‌دهیم و می‌گوییم ظلم در آیات و روایات علت نیست تا حرمت ربا دایره مدار آن باشد، بلکه حکمت است و خاصیت حکمت این است که حکم شرعی تحریم ربا دایره مدار آن نیست، بلکه گاهی از یکدیگر تخلف پذیرند، زیرا علت حکم شرعی چند ویژگی دارد که ظلم نمی‌تواند علت تامه تحریم ربا باشد.

۱. یکی از ویژگی‌های علت این است که یک امر مشخص و معین و غیرمتغیر و ثابت است و نسبت به حالات و زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، تغییر نمی‌کند و چیزی است که در تمام افراد و مصادیق حکم وجود دارد.

۲. علت چیزی است که سازنده و لازم‌کننده حکم باشد و باید بین علت و حکم ارتباط محکم وجود داشته باشد اما از آنجایی که ظلم نسبت به مصادیق ربا و نسبت به افراد رباگیرنده و ربادهنده، متفاوت است. پس ظلم نمی‌تواند علت اصطلاحی تحریم ربا باشد. وجود ظلم در اصل زیاده گرفتن مسلم است، همان طوری که در روایت محمد بن سنان حضرت فرمود: «لَمَّا فِيهِ مِنَ الظُّلْمِ»، یعنی در خود زیاده گرفتن ظلم است، بدون اینکه بین قرض مصرفی و تولیدی تفاوتی وجود داشته باشد.

۳. یکی دیگر از ویژگی‌های علت ظهور و آشکاربودن نقش آن در پیدایش حکم است. در موارد مذکور چون علت بودن ظلم کاملاً واضح و آشکار نیست نمی‌تواند علت به شمار آید.

بنا بر تعریفی که فقه شیعه از علت ارائه داده است که عبارت است از ملاک مصلحت و مفسده‌ای که در نفس یک حکم یا متعلق آن وجود دارد و باعث می‌شود که شارع حکیم به مقتضای ملاک موجود، درباره آن حکم کند، به دست آوردن علت اصطلاحی احکام، کار آسانی نیست.

از آنجا که مکلفین شناختی نسبت به ملاکات قطعی موجود در احکام ندارند، تنها راه آگاهی یافتن از ملاکات، ظواهر آیات و روایات است و چون در بیشتر موارد، آیات و روایات تنها به بیان حکم شرعی پرداخته‌اند و به علت هر حکم به‌طور جداگانه اشاره‌ای نکرده‌اند، رسیدن به یک حکم از طریق کشف ملاک و علت آن بسیار دشوار و در بعضی موارد غیرممکن است. «مگر از طریق قیاس منصوص العله که آن هم از باب حجیت ظواهر اعتبار دارد» (مظفر، ۱۴۰۵ق، جلد ۲، ص ۱۷۶).

نتیجه اینکه به نظر می‌رسد که استعمال لفظ علت در بعضی جاها به همان معنای حکمت باشد و احتمال اینکه کلمه علت یا هر واژه‌ای که از آن علت فهمیده می‌شود،

در روایات تحریم ربا بمعنای حکمت باشد، یک احتمال صحیح می‌باشد؛ زیرا کلمه علت گاهی به معنای علت اصطلاحی بکار می‌رود و گاهی به معنای حکمت. آیه الله مکارم شیرازی در این باره می‌گوید: « آنچه به صورت علت حکم در آیات و روایات مطرح می‌شود، معمولاً حکمت حکم است، نه علت آن» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳).

بنابر تفسیر علامه طباطبائی (طباطبائی، ۱۳۷۶، جلد ۲، ص ۴۰۸) آیه [وَإِنْ تُبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَأ تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ] اصلاً در مقام تشریح ابتدایی حکم تحریم ربا نیست، چگونه می‌تواند در مقام بیان علت تحریم ربا باشد. بعید به نظر می‌رسد آیه‌ای که در مقام تأکید حکم تشریح شده پیشین باشد، بخواهد علت حکم را بیان کند، با این شواهد می‌توان نتیجه گرفت که اصل تحریم ربا در آیات قبل بیان شده و در این آیه حکمت تحریم را بیان می‌کند.

نکته دیگر اینکه اصولاً روش شارع مقدس در تشریح احکام، اقلع‌سازی مکلفین و ایجاد انگیزه برای انجام تکالیف است که این امر با بیان حکمت حاصل می‌شود، و کمتر موردی در حوزه تشریح احکام دیده می‌شود که شارع علت تامه حکم تشریح شده را بیان کرده باشد.

وقتی ما می‌توانیم بگوییم که ربای قرض‌های تولیدی و تجاری مستلزم ظلم نیست و در نتیجه حرام هم نیست که: اولاً با مطالعه دقیق آیات و روایات، علت تامه و منحصر حرمت ربا را کشف کنیم. ثانیاً با مطالعه ویژگی‌های قرض‌های تولیدی و تجاری معلوم شود که آن‌ها واجد آن علت نیستند. حال آنکه هر دو مطلب در مورد قرض‌های تولیدی ناتمام است زیرا هیچ دلیل واضح و معتبری نداریم که نشان دهد تنها علت تامه حرمت ربا ظلم و بهره‌کشی است و ثانیاً اگر هم بپذیریم تنها علت حرمت ربا ظلم است، ظلم و بهره‌کشی به همان معنا و مفهومی که در قرض‌های مصرفی وجود دارد در قرض‌های تولیدی هم وجود دارد پس آن‌ها هم حرام خواهند بود.

۲-۲-۳. پاسخ سوم

اگر از جواب‌های قبلی بگذریم، مگر دلیل تحریم ربا فقط آیه شریفه (وإن تبتم فلکم رؤوس أموالکم لا تظلمون و لا تظلمون) است که با استفاده از آن حرمت ربا را به ربا در قرض مصرفی اختصاص دهیم. بیش از ۱۰ آیه دیگر در قرآن کریم که اغلب یا همه آن‌ها عموم و اطلاق دارند و هر نوع ربایی را در هر نوع قرضی تحریم می‌کنند وجود دارد، مگر مواردی که دلیل خاص معتبر بر عدم حرمت آن‌ها داشته باشیم. همچنین روایات صحیح و معتبری وجود دارند که اطلاق و عموم دارند و هر نوع ربایی را تحریم می‌کنند و هیچ دلیل خاصی که بتواند عمومات را تخصیص و اطلاق را تقیید کند، وجود ندارد مگر ادله‌ای که طرفداران نظریه اختصاص حرمت ربا به ربا در قرض‌های تولیدی اقامه کردند که یکی پس از دیگری قابل نقد هستند و ناتمامی آن‌ها اثبات شده است. پس عمومات بدون مخصص و اطلاق بدون قید، باقی می‌مانند؛ بنابراین علی القاعده وجهی برای دست برداشتن از آن‌ها وجود ندارد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران - ۱۳۰)، در تفسیر این آیه به جهت وجود قید «اضعافاً مضاعفه» دو دیدگاه مطرح است: گروه کمی از مفسران قید مذکور را احترازی دانسته، معتقدند که باعث تخصیص آیه به ربا (نرخ بهره‌های) فاحش می‌شود و شامل قرض‌های با نرخ بهره کم نمی‌شود، در مقابل غالب مفسران قید مذکور را قید توضیحی و غالبی می‌دانند و معتقدند که باعث تخصیص حکم حرمت ربا نمی‌شود.

اما هر دو گروه درباره اطلاق و شمول آیه نسبت به تمام انواع قرض با بهره اعم از مصرفی و انتاجی توافق دارند و تاکنون هیچ فقیه و مفسری این آیه را بر قرض‌های خاص مصرفی ناظر نمی‌داند.

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره - ۲۷۵).

به مقتضای اصول لفظی و قواعد اجتهادی قطعی «الذین یأکلون الربوا» و «حرم الربوا» اطلاق لفظی دارد و شامل هر آنچه عرفاً ربا بر آن صدق می‌کند، می‌شود، بنابراین، مقتضای اولیه آیه اطلاق است و شامل همه انواع ربا می‌شود، و ادعای تقييد و انصراف، به حجت شرعی نیاز دارد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره - ۲۷۸ و ۲۷۹).

این دو آیه افزون بر این که به مقتضای قواعد اصولی، اطلاق دارند و شامل هر نوع ربای عرفی می‌شوند، به نقل مفسران بسیاری شأن نزولی دارند که نه تنها اطلاق را تأیید می‌کند، بلکه ظهور در تحریم ربای قرض‌های سرمایه‌گذاری و تجاری را نیز تأیید می‌نماید. بسیاری از مفسران چون مقاتل، زید بن اسلم، ابن عباس، سدی، ابن جریر، سیوطی و قرطبی گفته‌اند که این آیه درباره ربای بنی قیف نازل شده است که ناظر به قرض‌های سرمایه‌گذاری است. یعنی بنی ثقیف از گروهی قرض با بهره می‌گرفتند و به گروهی دیگر قرض با بهره می‌دادند و از اختلاف نرخ بهره استفاده می‌کردند (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶)، که اینکار را امروز در غرب سواپ نرخ بهره می‌نامند و از پیشرفته‌ترین ابزارهای مبتنی بر بهره در بازارهای مالی غرب است.

۳. تحلیل شهید مطهری از ملاک حرمت ربا و نقد آن

شهید مطهری هر چند ابتدائاً می‌پذیرد که از بعضی آیات و روایات می‌توان استنباط کرد که ملاک حرمت ربا ظلم است و در این باره می‌گوید: «از قرآن مجید استفاده می‌شود که ملاک حرمت ربا ظلم است: [لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ] و همین نکته از آیه [وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ] (روم - ۳۹) و آیه [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ] که در مقام تقبیح رباخواری است، نیز فهمیده می‌شود. این ملاک قطعی و مورد تصریح قرآن کریم است» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۲۳۷).

اما هیچگاه استاد مطهری نگفته پس بر این اساس تنها ربا در قرض‌های مصرفی حرام است و در قرض‌های تولیدی حرام نیست؛ چون ملاک ظلم در قرض‌های مصرفی وجود دارد ولی در قرض‌های تولیدی وجود ندارد.

شهید مطهری از تحلیل و بررسی وجوهی که برای علت یا حکمت حرمت ربا در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام گفته شده تنها یک وجه را صحیح و بی‌مناقشه می‌داند که همان اصطناع معروف باشد و آن هم اختصاص به ربا در قرض‌های مصرفی می‌داند؛ لذا ایشان ربا در قرض‌های مصرفی را بخاطر اینکه باعث از بین رفتن معروف می‌شود حرام می‌داند.^۲

اما از طرفی هم نظریه تعمیم حرمت نسبت به ربا در کلیه قرض‌ها را اعم از مصرفی و تولیدی را می‌پذیرد. و ادله اختصاص حرمت به ربا در قرض‌های مصرفی را ناتمام و ناقص می‌داند، لکن فلسفه و حکمت حرمت ربا در قرض‌های تولیدی را چیز دیگری می‌داند. پس به نظر شهید مطهری ربا هم در قرض‌های مصرفی و هم در قرض‌های تولیدی حرام است اما با دو ملاک متفاوت.

در توضیح ملاک حرمت ربا در قرض‌های تولیدی می‌گوید: مال دارای دو نوع منفعت است: منفعت بالفعل و منفعت بالقوه. در قرض‌های مصرفی، قرض‌گیرنده غرضش انتفاع به منافع بالفعل از مال است مثلاً گندم را قرض می‌کند برای آنکه بخورد، ولی در قرض‌های تولیدی غرضش انتفاع به منافع بالقوه است، یعنی آنچه را که قرض می‌کند، به صورت مال التجاره است که منفعت بالفعل آن مقصودش نیست، بلکه مقصود منافی است که با تجارت یا صناعت روی آن پیدا می‌شود.

البته مال، قابلیت برای جُرّ چنین منافی را دارد و به سبب همین قابلیت هم ارزش دارد، ولی ارزش مشروط، مشروط به این که قابلیت مذکور از آفات و عاهات غیرارادی

انسان مصون بماند تا به فعلیت برسد و اگر به فعلیت نرسد، کشف می‌کند که شخص از اول مالک آن منافع نبوده است. در قرض‌های تولیدی اگر به طریق قرض ربوی عمل شود، ظلم است زیرا ممکن است مال التجاره قابلیت جُزّ نفعش به فعلیت نرسد و اخذ ثمن در قبال این قابلیت، وقتی صحیح است که به فعلیت برسد، ولی اگر به طریق مضاربه عمل شود، محذوری ندارد. خلاصه آنکه ربا حرام است، زیرا از دو حال خارج نیست: یا در قبال منافع بالفعل است و یا در قبال منافع بالقوه. اولی فقط در قرض مصرفی مقصود است و اصطناع معروف تحریم ربا را ایجاب می‌کند و دومی که در قرض‌های تولیدی مقصود است، وقتی می‌توان در قبالتش اخذ ثمن کرد که آفت غیرارادی به آن متوجه نشود و خلاصه به شکل مضاربه صحیح باشد» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۳۱۵).

شهید مطهری به عبارت دیگر، آن جواب نقضی ما را بیان کرده که بر فرض بپذیریم علت حرمت ربای قرضی، ظلم باشد در قرض‌های تولیدی هم همین علت وجود دارد زیرا در بعضی موارد در قرض تولیدی ممکن است قرض‌گیرنده از کار تولیدی و تجاری خودش ضرر کند و یا سود نکند، مخصوصاً با توجه به وضعیت اقتصادی دارای نوسان و ریسک پذیر جامعه امروز، که عوامل متعددی از بیرون و درون بر قیمت کالاها و تجارت تأثیرگذار است؛ البته در سخنان شهید مطهری به نوعی ابهام و اجمال و دوگانگی وجود دارد زیرا ایشان از طرفی ملاک تحریم ربا را به طور قاطع ظلم می‌داند و در چند جا تصریح به این سخن دارد. مثلاً در باب عدم جواز حيله در ربا می‌گوید: «از قرآن مجید استفاده می‌شود ملاک حرمت ربا ظلم است، این ملاک قطعی و مورد تصریح قرآن است و چون با حيله های ربا این ظلم برداشته نمی‌شود. لذا به طور قطع این حيله ها صحیح نیست» (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۴۰۲). اما از طرف دیگر در تحریم ربای مصرفی فقط اصطناع معروف را بعنوان ملاک حرمت می‌پذیرد و اشاره‌ای به وجود ظلم در این نوع ربا ندارد. بلکه برعکس مدعیان عدم

حرمت ربا در قرض‌های تولیدی، ربای تولیدی را نیز مستلزم ظلم می‌داند. و حال آنکه بقول کسانی که علت حرمت ربا را ظلم می‌دانند مصداق کامل و بارز ظلم، ربا در قرض‌های مصرفی است و آنها ربا در قرض‌های تولیدی را حرام نمی‌دانند چون به نظر آنان علت ظلم در آن وجود ندارد.

شهید مطهری در جمع‌بندی نهایی ادله اختصاص تحریم ربا، به ربا در قرض‌های مصرفی را ناتمام می‌داند و رد می‌کند و ادله تعمیم حرمت ربا را می‌پذیرد. و در این باره می‌گوید: «از نظر قرآن ربا به طور مطلق ظلم است. از تعبیرات قرآن به نظر می‌رسد که اساساً قرآن سودگرفتن از قرض را ظلم می‌داند و می‌دانیم که ظلم یعنی گرفتن چیزی بدون حق و بدون یک مجوز طبیعی، قرآن رباگرفتن را تجاوز به حق قرض گیرنده تلقی می‌کند و به قول ما اصلاً نامشروع است» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۵۰).

شهید مطهری بعضی آیات قرآن را نسبت به حرمت ربا مطلق می‌داند، بعضی را مختص به ربای مصرفی و بعضی را مختص به ربای تولیدی می‌داند و می‌گوید: «اگر ظاهر ادله محدود و محصور نباشد به آنچه که در آن زمان وجود داشته به قول فقها نمی‌توانیم جلو اطلاق ادله را گرفت، اگر ادله‌ی ما اطلاق داشته باشد و به قول آقایان انصراف نداشته باشد به یک مورد با لخصوص، ما باید به اطلاقش عمل کنیم یعنی تا دامنه‌ی قیامت هرچه مصداق برای آن پیدا شود مصداق‌های جدید است نه یک امر جدید. یک تعبیراتی در بعضی احادیث خصوصاً احادیث شیعه وجود دارد که آن تعبیرات تا حدود کمی ربا را محدود می‌کند به همان ربای مصرفی، ولی آیات قرآن به نظر می‌رسد که چنین نیست؛ البته از بعضی آیات قرآن می‌توان استشمام کرد که نظر قرآن به قرض‌هایی است که در مورد درماندگان باید داد» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۴۹).

در جای دیگر از آیه شریفه [وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ]

تعمیم ربا نسبت به قرض‌های تولیدی را استفاده کرده از دو جهت:

۱. از کلمه (رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ) که مراد سرمایه است و در قرض مصرفی سرمایه معنی ندارد.

۲. از جمله (لَا تَظْلِمُونَ) فهمیده می‌شود که ربا ظلم است یعنی تحریم ربا براساس لزوم احسان نیست (که ملاک در قرض های مصرفی است) بلکه براساس وجوب عدل و تحریم ظلم است، یعنی ربا اکل مال غیر است» (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۱۹۶ و ۱۹۷).

از مجموع سخنان و نقد و بررسی شهید مطهری می‌توان استنباط کرد که ایشان حرمت ربا در قرض های مصرفی را به استناد بعضی از ادله تحریم و بخاطر وجود ملاک خاصی حرام می‌داند و ربا در قرض های تولیدی را هم به استناد بعضی دیگر از ادله تحریم و به خاطر وجود ملاکی غیر از ملاک ربای مصرفی، حرام می‌دانند و در پایان ایشان نظرشان به تحریم ربای قرضی به طور مطلق می‌باشند. اما از نظر طبیعت حقوق قرض می‌گوید: «فهرأ از نظر طبیعت حقوقی فرقی نمی‌کند میان قرض استهلاکی و مصرفی، و قرض تولیدی و استنتاجی». (مطهری، ۱۳۶۴، ص ۴۸)

جمع بندی و نتیجه گیری

در این تحقیق میزان علیت ظلم در حکم تحریم ربا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در واقع یکی از تفاسیر جدید ربا که برای حل مشکل نظام سرمایه‌داری به‌ویژه بانک‌های ربوی مطرح شد، نظریه معروف «اختصاص ربا به بهره قرض های مصرفی» بود. طبق این نظریه قرض از نظر اقتصادی و به اعتبار نوع مصرف، به دو دسته می‌شود: ۱- قرض مصرفی، ۲- قرض تولیدی و تجاری. عده‌ای از فقها و دانشمندان مسلمان، ربا در قرض های تولیدی را حرام نمی‌دانند؛ با این توجیه که علت تحریم ربا از نظر آیات و روایات، ظالمانه بودن آن است که این علت فقط در قرض های مصرفی وجود دارد، اما گرفتن ربا در قرض های تولیدی و تجاری از قرض گیرنده نه تنها ظلم نیست بلکه عین عدالت و انصاف است؛ زیرا این قرض برای افزایش درآمد مورد استفاده قرار

گرفته و این‌که قرض‌گیرنده بخشی از درآمد به‌دست آمده را به قرض‌دهنده بدهد به انصاف نزدیک‌تر است.

از مباحث این مقاله چنین می‌توان نتیجه گرفت با توجه به مجموع ادله تحریم ربا ظلم نمی‌تواند علت تامه و منحصره تحریم ربا باشد به نحوی که حکم حرمت ربا دائر مدار آن باشد و بر اساس آن حکم نمود که گرفتن زیاده در قرض‌های مصرفی چون سبب ظلم است پس مصداق ربا ولی زیاده در قرض‌های تولیدی چون سبب ظلم نمی‌گردد؛ بنابراین غیر ربوی است. بلکه حکمت آن است و تعبیر به علیت در بعضی از آیات و روایات نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای اثبات علیت آن باشد زیرا در چنین مواردی علت به معنای دقیق و اصطلاحی خود بکار نرفته است و اصولاً آیات و روایات مورد استدلال در مقام بیان علیت تامه حرمت ربا در نوع خاصی از آن نیستند. علاوه‌بر اینکه در بعضی موارد که هیچگونه ظلمی وجود ندارد، حتی به نظر قائلین به اختصاص، رباحرام است. و تشخیص مصرفی و تجاری و تولیدی بودن قرض در بعضی موارد کار آسانی نیست. ادله تحریم ربا ناظر به این مطلب اند که اصل زیاده گرفتن در قرض موجب ظلم می‌شود و از این جهت فرقی بین انواع و مصداق ربا وجود ندارد، بنابراین نمی‌توان اثبات کرد تحریم ربا اختصاص دارد به قرض‌های تولیدی و تجاری چون در آنها ربا گرفتن موجب ظلم به کسی نمی‌شود.

یادداشت‌ها

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید، اگر مؤمنید، و اگر [چنین] نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.
۲. در روایات علل متفاوتی برای تحریم ربا مطرح شده است. بعنوان نمونه روایت محمدبن سنان ذکر می‌گردد: عن محمدبن سنان أن علی بن موسی الرضا(ع) كتب الیه فی ما كتب من جواب مسأله «و عللة تحريم الربا لما نهی الله عزوجل عنه، و لما فیه من فساد الاموال لان

الانسان اذا اشترى الدرهم بالدرهمين كان ثمن الدرهم درهماً و ثمن الآخر باطلا فيبيع الربا و شراؤه و كس على كل حال على المشتري و على البائع فحرم الله عزوجل على العباد الربا لعله فساد الاموال، و عله تحريم الربا بالنسيئة لعله ذهاب المعروف و تلف الاموال و رغبة الناس في الربح و تركهم القرض و القرض صنائع المعروف و لما في ذلك من الفساد و الظلم و فناء الاموال» (شيخ حرعاملی، ١٤١٣ جلد ١٢، ص ٤٢٥). در اين روايت علل و حكمت هاي مختلفی جهت تحريم ربا ذكر شده است از جمله: فساد اموال، تعطيلي كارهاي نيك (اصطناع معروف)، اتلاف اموال، ظلم و...

کتابنامه

قرآن كريم.

ابوزهره، محمد (١٣٩٠ق)، بحوث في الربا، بيروت: دارالبحوث العلميه.

بجنوردی، سيد محمد (١٣٨٩)، «مبحث ربا»، متين، شماره ٨.

بجنوری، سيد محمد (١٣٧٧)، مجموعه مقالات نهمين سمينار بانکداری اسلامی،

سخنرانی حضرت آيت الله بجنوردی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ايران.

بخش فرهنگي جامعه مدرسين حوزه علميه قم (١٣٨١)، ربا، قم: بوستان کتاب.

رشيد رضا، سيد محمد (١٤١٤ق)، تفسير المنار، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر.

روزنامه اطلاعات، مصاحبه حضرت آيت الله معرفت، ١٣٧٥/١١/٢٧.

زرقا، مصطفى (١٣٨٨ق)، المشكلات العصريه، بيروت، مجلة البعث.

سنهوري، عبدالرزاق (١٩٥٤م)، مصادر الحق في الفقه الاسلامي، بيروت: داراحياء التراث العربي.

شلتوت، محمود (١٣٩٥ق)، الفتاوى، بيروت: دارالشروق.

شيخ حرعاملی، محمد بن حسن (١٤١٣ق)، وسائل الشيعه، بيروت: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث العربي.

شيخ طوسي (١٤١٣ق)، تهذيب الاحكام، بيروت، دارالاضواء.

- شیرازی، سید محمد (۱۴۰۷ق)، *فقه الاقتصاد*، بیروت، دارالعلم.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۳)، *کتاب فقه و زندگی، ربای تولیدی*، قم: انتشارات میثم تمار.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۶)، *تفسیر المیزان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- مجلسی، سید محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، جلد ۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)، *ربا، بانک و بیمه*، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *سلسله یادداشت‌ها*، تهران: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۰۵ق)، *اصول الفقه*، تهران: دانش.
- مکارم‌شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۳)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۴)، «ربا در قرض‌های تولیدی و تجاری»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۵.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق)، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.